رسالت

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی صبح ایران

صاحب امتیاز: بنیاد رسالت
مدیرمسئول: محسن پیرهادی
سردبیر: مسعود پیرهادی
نشانی: تهران، خیابان استاد نجات اللهی جنوبی خیابان شهید اسماعیل محمدی- پلاک ۱
کدپستی: ۱۵۹۹۹۷۶۷۱۱ | تلفن: ۱۰-۸۸۹۱۰۸۰۶
نمابر: ۸۸۹۰۰۵۸۷ | چاپ: صمیم | تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

سه‌شنبه
۱۲ بهمن ۱۴۰۰
۲۹ جمادی الثانی ۱۴۴۳
اول فوریه ۲۰۲۲
سال سی و هفتم
شماره ۱۰۲۴۴

WWW.RESALAT-NEWS.COM

اوقات شرعی
اذان ظهر: ۱۲:۱۸
اذان مغرب: ۱۷:۵۱
اذان صبح فردا: ۵:۳۸
طلوع آفتاب فردا: ۷:۰۴

خوانندگان فهیم روزنامه رسالت می‌توانند پیام‌های خود را به سامانه‌های ۱۰۰۰۲۱۸۸۹۱۰۸۰۸ یا ۵۰۰۰۱۰۶۰۶۵۸۱۱۹ پیامک کرده و مسائل و مشکلات خود را بیان نمایند. بی‌صبرانه منتظر پیام‌های گرم شما هستیم.

حکمت نهج البلاغه

هیچ ثروتی سودمندتر از خرد و هیچ تنهایی‌ای ترسناک‌تر از خودپسندی نیست.

شاه‌بیت

چشم تو را به سرمه کشیدن چه حجت است؟
کوته کن این بهانه دنباله‌دار را...

صائب

امام در بدوورود خود به ایران درس توحید می‌گفت

امام را خدا آورد

جواد شاملو

دوازدهم بهمن پنجاه‌وهفت، روزنامه اطلاعات در بزرگ‌ترین مقیاس ممکن تیتری زد که پاسخی بود به تیتر بیست و ششم دی ماه این روزنامه در همان سال. هردوی این تیترهایی بود دوکلمه‌ای، بدون روی تیتر و توضیح اضافه. به‌نحوعجیبی ساده بودند. روزنامه‌نگاری، عرصه‌بازی با کلمات و کاربرد ایهام و کنایه و استعاره است. به بیان دیگر، مادر روزنامه و رسانه تلاش می‌کنیم به پدیده‌ها و وقایع باربد هیم و آن‌ها را برای خواننده مهم جلوه دهیم. این یک واقعیت است و یکی از شئون رسانه، همین است که واقعیت بیرونی را در ذهن خوانندگان، به نحو دلخواه خود بسازد. اما ممکن است واقعه‌ای آن همه بزرگ باشد که دیگر از دست کلمات کاری برنیاید. این یک هوش رسانه‌ای می‌طلبد که دریابی کجا دیگر عرصه آرایه‌های ادبی و ابتکارات ژورنالیستی نبوده و واقعیت خود در اوج درام و جذابیت است. «امام آمد». همین. «شاه رفت». در این تیترها، بهت ناشی از این خبرها را می‌توان دید. در سادگی این تیترها می‌توان این را خواند که شاه رفت که دیگر بازنگردد و امام آمد که بماند. این تیترها به ظاهر ساده‌اند، اما بار داستان‌های بزرگی را بردوش می‌کشند. این دو تیتر، به اندازه سال چهل و دو تا پنجاه و هفت سنگین‌اند. شاید هم بیشتر. «شاه رفت» دوکلمه‌ای است که داستان شب‌های کمیته مشترک را تمام می‌کند. «امام آمد» دوکلمه‌ای است که بار داستان شب‌های اعلامیه پخش کردن و تکبیر گفتن برفراز بام‌ها را بردوش می‌کشد. این دو تیتر با تمام سادگی، حاکی از اوج هوش و ذوق رسانه‌ای هستند. تیترهایی فراتر از یک خبر که مردم آن‌ها را همچون قاب عکسی در دست می‌گرفتند.

چند ساعت پیش از درج شدن تیتر «امام آمد» خود امام خمینی اما در هواپیما حس و حال دیگری دارد. تیتر ورود او به ایران برای خودش این قدر بزرگ نیست. این برای خود او، اصلا خبر به حساب نمی‌آید.

- چه احساسی دارید از بازگشت به ایران؟

- هیچی.

این «هیچی» آن چنان با سرعت بیان می‌شود که گویی بدیهی است. صادق طباطبایی که در اینجا نقش مترجم را برعهده دارد، بنا به مصلحت واژه هیچ را ترجمه نمی‌کند و می‌گوید ایشان نمی‌خواهند در این مورد صحبت کنند. نمی‌دانم ترجمه نشدن این هیچ توسط طباطبایی کار درستی بود یا نه، اما این «هیچ»، عصاره تمام انقلاب ما است. این کلمه یک رمز است. رمز پیروزی و موفقیت نهضت و نظام. شاید انگلیسی‌زبانان بسیاری اصل پاسخ امام را دریافته باشند؛ اما کم‌اند کسانی که آن را بفهمند و باور کنند نهضتی که پشت به این «هیچ» گرم دارد، پشت به «همه‌چیز» گرم دارد.

در سطوح مختلفی می‌توان این هیچ را واکاوی کرد. پایین‌ترین و ساده‌ترین سطح، سطح تاریخی است که می‌توان گفت به لحاظ تاریخی، بازگشت امام خمینی به‌خودی خود در درجه نخست اهمیت نبود؛ آنچه اهمیت داشت پیروزی انقلاب بود و خبرنگار اگر می‌خواست سؤال خود را دقیق‌تر بپرسد، باید در مورد پیروزی انقلاب می‌پرسید. خبرنگار، امام را که رهبر اعتراضات مردم بود با شخصیتی معمولی که صرفا تبعیدشده و در آرزوی بازگشت به وطن است اشتباه گرفته بود. این به‌تنهایی تمام اسرار آن کلمه را برای ما روشن نمی‌کند و نیاز است آن را از دریچه‌های دیگری هم بنگریم.

وقتی از احساس سؤال پرسیده می‌شود، این سؤال مربوط به هیجانات فرد است نه باورو اعتقاد درونی او. به عبارت دیگر، خرسندی و رضایت با خوشحالی و شادی متفاوت است. شادی یک احساس است، خرسندی و رضایت یک بینش و یک باور عمیق. انسان مؤمن همواره خرسند و راضی و مطمئن است، اما همواره شاد نیست. رضایت و اطمینان، ممکن است باغم همراه باشد و ممکن است با شادی همراه نباشد. نقل است که حضرت سیدالشهدا در روز عاشورا، هرچه به ساعت شهادت خویش نزدیک می‌شد، صورتش برافروخته‌تر می‌گشت. از طرف دیگر می‌دانیم امام حسین علیه‌السلام هرچه به آن ساعت نزدیک می‌شده‌اند، داغ اطرافیان خود را می‌دیده‌اند. آن برافروختگی صورت سالار شهیدان از رضایت و اطمینان و خرسندی است نه از شادی و سرور. این همان حالتی است که باعث می‌شود قرآن در سوره فجر بنابر برخی تفسیرها ایشان را «نفس مطمئنه» خطاب کند. امام در آن لحظه خرسند بود اما دلیلی برای شادی وجود نداشت. خرسندی و رضایت برای مؤمن، ناظر بر وظیفه است و نه نتیجه. اگر مقصد آن هواپیمانه ایران، که آمریکا بود جهت تسلیم امام خمینی به کاخ سفید، بازهم از اطمینان و رضای امام چیزی کاسته نمی‌شد. پس این هیچ، نشان از بی تفاوتی امام نیست چرا که آنچه در درجه اول برای امام اهمیت داشت، رضایت از انجام وظیفه خود و مشیت خداوند بود. این رضایت فرای هر شادی و غمی است و هر شادی و غمی را خفیف می‌گرداند.

این مشیت خداوند، دلیل دیگری بر آن هیچ است. کسی مثل امام خمینی، به خود اجازه نمی‌دهد درباره کاری که آن را به خدا سپرده، شاد یا غمگین شود. مردم و همراهان و شاید آن خبرنگار، گمان می‌کردند این ورود، به منزله پیروزی کامل نهضت امام و شکست قطعی طاغوت است. امام اما به اراده خدا چشم داشت. از پیش برای چیزی شاد یا ناراحت نمی‌شد. برای عارفی چون امام، حتی معلوم نبود که تا چند ثانیه دیگر زنده است یا نه. معلوم نبود هواپیمای او سالم به زمین می‌نشیند یا نه. خلاصه اینکه معلوم نبود اراده خدا بر چیست. او دلداده مناجات شعبانیه بود و چه بسا بارها با اشک این فراز را خوانده باشد که «وَأَنَا عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ قَائِمٌ بَیْنَ یَدَیْکَ». نمی‌توانی خود را در دست خدا ببینی و آن وقت با هر پیشامدی شاد یا غمگین شوی. این خاصیت کسی است که خود را مالک نفس خود نمی‌بیند. او یکی از رجال مهم فلسفه صدرایی است که معتقد است: «لا مؤثر فی الوجود إلّا الله». آن امامی که بنا به گفته رهبر انقلاب، نهضت مردم ایران در هیچ کجای جهان بی نام و نشانخته شده نیست، این طور می‌دید که کار دست خدا است، خمینی چه کاره است که به ایران برود یا نه؟ هیجانات عارف، تابع جلوه و جمال خدا است. مردی که اینجا از ورود خود به کشور هیچ احساسی ندارد، در هنگام سرود نوجوانان که می‌خوانند: «برخیزید ای شهیدان راه خدا...» شانه‌هایش می‌لرزد. وقتی جلوی مادر چهار شهید می‌نشیند، نه تنها احساسات بر او غالب می‌شود، بلکه ابایی هم از بروز آن ندارد. وقتی پای مردم وسط می‌آید، گرمی گیرد و با خشم و هیجان فریاد می‌کشد «خاک بر سر من اگر بخواهم از شما استفاده عنوانی بکنم...». وقتی کوثری روضه می‌خواند، تمام وجود امام مرتعش می‌شود. هر جا جلوه جلال و جمال و حب خداوند باشد، هیجان امام روح‌الله هویدا است.

گذشته از تمام این‌ها، امام خود را مترادف انقلاب نمی‌دانست. امام نه تنها خود را با نهضت مساوی نمی‌دانست، بلکه برای خود حقی در آن نمی‌دید. در همین سخنرانی معروف که امام راحل عظیم‌الشأن با تکرار عبارت «خاک بر سر من» فریاد گریه مردم را بالا می‌برند، می‌فرمایند: «از ۱۵ خرداد تا حالا که آمدیم، خون دادیم یعنی شما خون دادید، من که نشسته‌ام اینجا. من هم هیچ حقی ندارم. شما خون دادید. شماها به میدان رفتید؛ شماها مبارزه کردید؛ ماها هیچ حقی نداریم. ما باید برای شما خدمت کنیم. خودمان نباید استفاده کنیم.» امام نهضت را قائم به خودش نمی‌دید. نهضت مردم ایران را در ادامه نهضت هزار و چهارصدساله اسلام ناب محمدی می‌دانست و متکفل آن را خداوند. از نظر او، راه حق، بی خمینی یا با خمینی ادامه داشت. این نگرش امام بود که راه خدا را معطل هیچ کس یا هیچ چیز نمی‌دید. چون خود را با انقلاب یکی نمی‌دید شادی‌اش برای انقلاب ربطی به شادی‌اش برای خود نداشت. نمی‌گفت چون من دارم به ایران می‌روم، پس نهضت به سرانجام رسید. انقلاب اسلامی ایران صاحب داشت و امام خود را صاحب آن نمی‌دید.

امام خمینی در بیان این «هیچ» داشت خودش را توصیف می‌کرد. این هیچ تنها نه بیانگر احساس امام، که بیانگر خود امام بود. این هیچ در دل خود، یک همه‌چیز هم خطاب به خداوند دارد. اوج حق و اوج باطل، گاهی به نحوی به یکدیگر نزدیک می‌شوند. نباید حق و باطل را یک طیف خطی دید. بلکه حق و باطل دایره‌ای است که نقطه آغاز و پایانش درست در کنار هم است. اگر یک پوچ‌گرا هم به جای امام نشسته بود، شاید در پاسخ خبرنگار می‌گفت هیچ. اما هیچ او حاکی از عدم باور به هرگونه واقعیت یا حقیقت بود و هیچ امام حاکی از اعتقاد به باوری آن چنان عظیم که با وجود او، وجود امام خمینی هیچ بود. امام هیچ را به خود نسبت داد و همه‌چیز را به خدا. پس خدا هم کاری کرد او همه‌چیز ملت شد.

وقتی امام از دنیا رفت، گریه‌های مردم برای او، گریه برای همه‌چیزشان بود؛ غرور مردم، الگوی مردم، پیشوای مردم، پشتیبان مردم، همه‌چیز مردم رفته بود. آن «هیچ» امام، مرا به یاد پرواز آخر حاج قاسم می‌اندازد. همراهان سردار می‌گویند او در تمام پروازها، مشغول قرآن یا مطالعه یا یادداشت بود؛ اما در پرواز آخر تا خود فرودگاه بغداد تخت خوابید! او هم هیچی بود که همه‌چیز ملت بود. آقا تشییع جنازه او را بیعت با امام خواند؛ او در مقیاسی کوچک‌تر تکرار خمینی بود.

امام خود را مترادف انقلاب نمی‌دانست. امام نه تنها خود را با نهضت مساوی نمی‌دانست، بلکه برای خود حقی در آن نمی‌دید. در همین سخنرانی معروف که امام راحل عظیم‌الشأن با تکرار عبارت «خاک برسر من» فریاد گریه مردم را بالا می‌برند می‌فرمایند: «از ۱۵ خرداد تا حالا که آمدیم، خون دادیم یعنی شما خون دادید، من که نشسته‌ام اینجا. من هم هیچ حقی ندارم. شما خون دادید. شماها به میدان رفتید؛ شماها مبارزه کردید؛ ماها هیچ حقی نداریم. ما باید برای شما خدمت کنیم. خودمان نباید استفاده کنیم.» امام نهضت را قائم به خودش نمی‌دید. نهضت مردم ایران را در ادامه نهضت هزار و چهارصدساله اسلام ناب محمدی می‌دانست و متکفل آن را خداوند. راه حق، بی خمینی یا با خمینی ادامه داشت

به انگیزه اولین سالگرد رحلت حضرت آیت‌الله شیخ عبدالله نظری خادم الشریعه مازندرانی

عالِم حصیر نشین!

دوازدهم بهمن ماه که سالروز ورود امام خمینی(ره) به میهن اسلامی و آغاز دهه فجر انقلاب اسلامی است درعین حال اولین سالگرد ارتحال مرحوم آیت الله شیخ عبدالله نظری خادم الشریعه مازندرانی نیز هست که از شاگردان برجسته حضرت امام نیز بشمار می‌رفت و برای ابلاغ ابراز ارادت عشایر منطقه سوادکوه و مردم دلیر و مبارز مازندران به امام خمینی به پاریس رفت و با پرواز ایشان در ۱۲ بهمن ماه به میهن اسلامی بازگشتند.

در فضائل و مناقب مرحوم آیت الله نظری که در سال ۱۳۱۱ شمسی در زیرآب سوادکوه مازندران بدنیا آمد و در سال ۱۳۹۹ در سن ۸۸ سالگی دار فانی را وداع گفتند سخن بسیار است و شرح حال ایشان و سوابق مبارزاتی شان از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی و جراید و خبرگزاری های منتشرشده است و در این مقال بنده قصد تکرار آنها را ندارم امّا نکات مهمی در زندگانی و سلوک مردمی ایشان هست که واقعاً درس آموز است.

نفوذ مرحوم آیت الله نظری در خطه شمال و مازندران ریشه‌دار است، پدر او مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی سوادکوهی از شاگردان مرحوم آیت الله سید محمّد کاظم طباطبایی یزدی صاحب «عروه الوثقی» بود که در انقلاب مشروطه نیز همپای مرحوم آیت الله شیخ فضل الله نوری بپا خواست و پس از اعدام مرحوم شیخ فضل الله توسط منحرفین و کودتاچیان مشروطه، قصد کشتن او را هم در شمال ایران داشتند که آیت الله حاج شیخ عبدالنبی به منطقه سوادکوه می‌رود و در حفاظت عشایر دلیر آن منطقه قرار می‌گیرد.

روحیه مبارزه با ظلم و ستم در آیت الله نظری از کودکی که در هفت سالگی پدر خود را از دست داد، بوجود آمده بود و لذا پس از طی سالیانی در حوزه مشهد مقدس و افتخار شاگردی اساتیدی چون ادیب نیشابوری، میرزا هاشم قزوینی و آیت الله میلانی به قم می‌آیند و به مدت هشت سال در محضر امام خمینی کسب فیض می‌نمایند، البته همزمان از درس فقه مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و درس فلسفه و تفسیر قرآن مرحوم علامه طباطبایی و دیگر اعاظم در حوزه مقدسه قم بهره‌مند بودند.

پیام رهبر معظم انقلاب در پی رحلت آیت‌الله نظری خادم‌الشریعه مازندرانی

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای که بارها در دوران اختناق شاهنشاهی به دعوت مرحوم آیت الله نظری در همین مسجد جامع ساری سخنرانی داشته‌اند در پیام ارزشمندی که در پی ارتحال مرحوم آیت‌الله نظری صادر فرمودند چنین مرقوم داشته‌اند:

بسم الله الرحمن الرحیم

درگذشت عالم بزرگوار مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ عبدالله نظری رحمت الله علیه را به خاندان مکرم و ارادتمندان ایشان و به عموم مردم عزیز مازندران تسلیت عرض می‌کنم.

ایشان از شاگردان قدیمی امام راحل بودند و سابقه مبارزاتی شان به سال‌های اختناق دوران طاغوت بر می‌گردد که محور و شمع جوانان حق طلب و تشنه حقایق اسلامی در مسجد جامع ساری بشمار می‌رفتند و پس از انقلاب همواره پشتیبان و مروج مفاهیم انقلابی و حرکت‌های انقلابی بودند. از خداوند متعال رحمت و مغفرت و علو درجات برای ایشان مسئلت می‌کنم.

سید علی خامنه‌ای
۱۳ بهمن ۱۳۹۹

ساری مراجعت می‌کنند در مسجد جامع این شهر اقامه جماعت می‌نمایند و آن مسجد از همان زمان کانون فعالیت‌های انقلابیون و وفاداران امام خمینی می‌شود.

بی پروایی و شجاعت مرحوم آیت الله نظری در خطابه‌ها و حملاتش به رژیم ستم‌شاهی کم نظیر است ولیکن دستگاه‌های امنیتی رژیم‌شاه مخصوصاً ساواک از نفوذ مردمی او در هراس بودند و می‌دانستند اگر بخواهند با او برخوردی خشن داشته باشند با مقاومت مردم مازندران و عشایر دلیر منطقه سواد کوه روبرو می‌شوند و احتمال آنکه مردم بپاخیزند و کل منطقه مازندران را از دست رژیم خارج کنند وجود دارد لذا علیرغم تصریحاتی که مرحوم آیت‌الله نظری در دوران استبدادی شاه از حمایت امام خمینی و نهضت روحانیون و انقلاب اسلامی داشت، از برخورد با ایشان واهمه داشتند.

آیت‌الله نظری حلقه اتصال مردم مازندران و نهضت امام خمینی (رض)

مرحوم آیت الله نظری بعد از فوت مرحوم آیت الله العظمی شاهرودی (رض) مردم را به تقلید از حضرت آیت‌الله العظمی خمینی فرامی خواند و در طول نهضت ایشان بخصوص در دوران اختناق ستم‌شاهی از وفاداران و مبلغین شجاع حضرت امام بوده اند و پیوند مردم مازندران با انقلاب اسلامی و نهضت امام، حلقه‌ای دارد که آن حلقه مرحوم آیت الله نظری بودند.

مرحوم آیت الله نظری که از سال ۱۳۴۸ از قم به مرحوم آیت الله شیخ فضل الله نوری بپا خواست و پس از اعدام مرحوم شیخ فضل الله توسط منحرفین و کودتاچیان مشروطه، قصد کشتن او را هم در شمال ایران داشتند که آیت الله حاج شیخ عبدالنبی به منطقه سواد کوه می‌رود و در حفاظت عشایر دلیر آن منطقه قرار می‌گیرد.

روحیه مبارزه با ظلم و ستم در آیت الله نظری از کودکی که در هفت سالگی پدر خود را از دست داد، بوجود آمده بود و لذا پس از طی سالیانی در حوزه مشهد مقدس و افتخار شاگردی اساتیدی چون ادیب نیشابوری، میرزا هاشم قزوینی و آیت الله میلانی به قم می‌آیند و به مدت هشت سال در محضر امام خمینی کسب فیض می‌نمایند، البته همزمان از درس فقه مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و درس فلسفه و تفسیر قرآن مرحوم علامه طباطبایی و دیگر اعاظم در حوزه مقدسه قم بهره‌مند بودند.

حصیر نشینی مرحوم آیت الله نظری

پیوند ناگسستنی مردم مازندران با مرحوم آیت الله نظری بسیار مستحکم بود و مردم از نزدیک طی سالیان دراز که با او معاشرت داشتند، ایمان وتقوایش، زهد و پارسائیش، مبارزه و شجاعتش، مردم داری و خدماتش همه را با هم دیده بودند و با تمام وجود به او اعتقاد و باور داشتند.

او سطح زندگی خود را از تمام مردم ساده‌تر کرده بود بطوری که از سال‌ها قبل از انقلاب و تا آخر عمر بر روی حصیر زندگی می‌کرد! همین الان هم دفترشان فرشی جز حصیر ندارد! و تمام شخصیت‌هایی هم که به دیدار ایشان می‌آمدند باید روی حصیر می‌نشستند و دأب ایشان این بود که در دفتر و منزل، فرش پهن نشود تا مبادا ساده زیستی فراموش گردد!

البته فلسفه زیلو پهن کردن که ساده‌ترین فرش محسوب می‌شود، در حسینیه جماران از زمان حضرت امام خمینی (رض) تا کنون و همچنین در حسینیه دفتر مقام معظم رهبری نیز همین تفکر است.

مرحوم آیت الله نظری تمام عمر خود را در خدمت به مردم گذراند، دیدارش برای عموم مردم سهل‌الوصول بود و براحتی به حضورش می‌رسیدند و عرض حال می‌کردند و او هم با نورانیتش و با نفس معنوی‌اش تا آنجاکه می‌توانست به مشکلات مردم رسیدگی می‌کرد.

سرزمین طبرستان از قدیم مهد تشیع و علماء بزرگ بوده است که رجال و شخصیت‌هایی چون علامه طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان، این شهرآشوب مازندرانی، شریف العلماء مازندرانی، آیت الله شیخ محمّد کوهستانی، آیت الله حاج شیخ محمّدتقی آملی، آیت‌الله میرزاهاشم آملی، آیت الله حسن‌زاده آملی و آیت الله جوادی آملی و بسیاری برجستگان دیگر نمونه‌هایی از عالمان بزرگ این دیار محسوب می‌شوند.

برپایی دهه غدیریه

ازجمله کارهای مهمی که مرحوم آیت‌الله نظری در عرصه تبلیغ و ترویج مکتب تشیع همت گماردند، برپایی دهه غدیر بود که بحث امامت و وصایت امیرالمؤمنین(ع) را با برگزاری جشن‌ها و آیین‌های با شکوه و همچنین نشست‌ها و کنفرانس‌های علمی در سطوح حوزه‌ها و دانشگاه‌ها و نشر مقالات و آثار علمی پژوهشگران غدیر دنبال می‌کردند. توصیه مؤکد مرحوم آیت الله نظری به همگان و مسئولین همواره آن بود که برای رضای خدا و برای رفاه مردم خدمت کنید و بدانید که پس از مرگ، تازه اول زندگی است، پس اطاعت خدا کنید و او را عبادت کنید تا طبق وعده خداوند زندگی گوارایی در آخرت داشته باشید. از خدای متعال مسئلت داریم شهرهای ما را از وجود عالمان ربانی خالی نفرماید و پیوند روحانیت و مردم را برای حفظ دین و بقای انقلاب اسلامی مستدام بفرماید.

مرتضی نجفی قدسی
۱۴۰۰/۱۱/۱۱

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

۱- برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۶۷۰ مورخه ۱۴۰۰/۱۰/۱۳ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز موضوع کلاسه پرونده ۱۳۹۹۱۱۴۴۱۲۰۰۹۰۰۰۰۳۹ مالکیت متقاضی سهیلا کاویان فرزند صفرعلی مبنی بر صدور سند ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۳۵۰۰ مترمربع ، قسمتی از پلاک ۱- اصلی واقع در اراضی لیوان بخش دو ثبت بندرگز خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای محسن ملاح محرز گردیده است.
لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نماید. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۰/۱۰/۲۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۴۰۰/۱۱/۱۲
م الف: ۱۴۰۰/۲۲۸
مهدی شاه مهری – سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک بندرگز

آگهی نوبتی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی

۱- برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۶۷۸ مورخه ۱۴۰۰/۱۰/۱۹ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز موضوع کلاسه پرونده ۱۳۹۹۱۱۴۴۱۲۰۰۹۰۰۰۰۴۹ مالکیت متقاضی سلیمان مازینی فرزند بابا مبنی بر صدور سند مشاع یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۳۷۴ مترمربع از ۳/۵۶۳۲ مترمربع ، قسمتی از پلاک ۲۱۶۴ فرعی از ۴- اصلی واقع در اراضی نوکنده بخش دو ثبت بندرگز خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای بابا مازینی محرز گردیده است.
لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نماید. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۰/۱۰/۲۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۴۰۰/۱۱/۱۲
م الف: ۱۴۰۰/۲۲۴
مهدی شاه مهری – سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک بندرگز
خ ش ۱۴۰۰/۱۰/۲۷

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده (نوبت اول) شرکت تعاونی مسکن مهر محلی شماره سی و هشت ارومیه به شماره ثبت ۹۳۹۳

بنابه تصویب هیات مدیره جلسه مجمع عمومی فوق العاده (نوبت اول) شرکت تعاونی مسکن مهر محلی شماره سی و هشت ارومیه راس ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۲۵ در ارومیه خیابان خیام جنوبی کوچه تربیت پلاک ۵ طبقه زیرزمین تشکیل می گردد. از عموم سهامداران و اعضا محترم دعوت می شود جهت اتخاذ تصمیم راجع به موضوعات ذیل در روز و ساعت مقرر در محل تعیین شده حضور به هم رسانند و یا با توجه به مفاد ماده ۱۹ آئین نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی در صورتیکه حضور عضوی در مجمع میسر نباشد، می تواند حق رای خود را به موجب وکالتنامه به عضو دیگر یا نماینده تام الاختیار از میان اعضا یا غیر اعضا واگذار نماید. در این صورت هر عضوی می تواند علاوه بر رای خود حداکثر تعداد سه رای باوکالت و هر شخص غیر عضو تنها یک رای باوکالت داشته باشد. توضیحا اینکه وکالتنامه های عادی بایستی یک روز بعد از انتشار آگهی مذکور تا یک روز قبل از تشکیل مجمع به غیر از ایام تعطیل در محل دفتر شرکت تنظیم شده و توسط هیات مدیره شرکت بررسی و تایید گردد. در غیر این صورت وکالتنامه رسمی حضور در مجمع بایستی با تایید یکی از دفاتر خانه های اسناد رسمی رسیده باشد.
دستور جلسه:
اتخاذ تصمیم درخصوص تمدید مدت فعالیت شرکت تعاونی مطابق با تبصره ذیل ماده (۵) اساسنامه
هیات مدیره شرکت تعاونی مسکن مهر محلی شماره سی و هشت ارومیه
تاریخ انتشار ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ خ ش ۱۴۰۰/۱۱/۱۲

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای/ خانم تاجماه جوادی دارای شماره شناسنامه ۵۱۵۷ به شرح دادخواست به کلاسه ۰۰۰۱۰۸۸ در شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان مسعود مهری به شماره شناسنامه ۸۸۶ در تاریخ ۱۴۰۰/۷/۱۵ در اقامتگاه دائمی خود بدرود گرفته وورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به :
۱- تاجماه جوادی فرزند کاظم به شماره شناسنامه ۵۱۵۷ همسر متوفی
۲- علی مهری فرزند مسعود به شماره شناسنامه ۶۵۸۰۲۰۱۲۴۱ پسر متوفی
۳- پرستو مهری فرزند مسعود به شماره شناسنامه ۰۰۲۰۷۸۰۲۱۲ دختر متوفی
۴- آرزو مهری فرزند مسعود به شماره شناسنامه ۴۲۱۳۸ دختر متوفی
۵- امید مهری فرزند مسعود به شماره شناسنامه ۰۰۱۱۵۳۸۳۴۱ پسر متوفی
اینک پس از انجام تشریفات قانونی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او می باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم والا گواهی صادر خواهد شد.
رئیس شعبه پنجم مجتمع شورای حل اختلاف شهرستان پاکدشت
تاریخ انتشار ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ خ ت ۱۴۰۰/۱۱/۱۲

اصلاحیه

پیرو درج آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت تولیدی سنگ آهن گوزلبلاغ به شماره ثبت ۱۱۰۵ و شناسه ملی ۱۰۹۸۰۲۴۴۱۴۱ در روزنامه رسالت مورخه ۱۴۰۰/۱۱/۹ نام شرکت گوزالبلاغ چاپ شده که گوزلبلاغ صحیح می باشد بدینوسیله اصلاح می گردد.
تاریخ انتشار ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ خ ش ۱۴۰۰/۱۱/۱۲

برگ سبز خودرو سواری پژو پارس tu 5 مدل ۱۴۰۰ به رنگ سفید به شماره موتور ۱۳۹B۰۲۶۱۹۴۳ و شماره شاسی NAAN۱۱FE۷MH۷۵۲۹۰۵ به شماره پلاک ایران ۷۷۷-۳۰م۸۸ به نام مصطفی صدوقی پور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.